

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۰۱، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۱ بهمن ۱۳۷۹

## در این شماره

شصت و یکمین سالگرد شهادت  
دکتر «تقی ارانی»  
در صفحه ۳

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی

حزب توده ایران در کنگره های

حزب کمونیست یونان در صفحه ۴

حزب کمونیست قبرس در صفحه ۵

معضل مسکن در ایران در صفحه ۷

بیانیه احزاب کمونیستی در صفحه ۸

## مرتجعان حاکم چه ترفندهایی را

تدارك می بینند؟

از احضار و محاکمه تاج زاده تا پیش شرط برای  
انتخابات ۸۰

هفته گذشته تحولات سیاسی میهن مان با تنش های سیاسی حادی سپری گردید اما در کل تمامی این درگیری ها و بحث ها حول آینده سیاسی کشورمان دور از انتظار نبود. روز دوشنبه رسانه های مجاز در جمهوری اسلامی خبر احضار تاج زاده را از طرف قوه قضائیه منتشر کردند. احضار تاج زاده از طرف قاضی رسیدگی به حوادث خرم آباد صورت گرفت. تاج زاده بار دیگر و برای دومین بار به اتهامی دیگر روانه دادگاه تحت کنترل قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه گردید. روزنامه «انتخاب»، چهارشنبه ۵ بهمن از قول تاج زاده نوشت: «من امروز برای ادای پاره ای از توضیحات احضار شده بودم اما قاضی دادگاه پس از تفهیم اتهام

در صفحه ۲

# سخنی درباره انتخابات ریاست جمهوری آینده و وظایف نیروهای مترقی و آزادی خواه

حاکمیت اصل «ولایت فقیه» که بر اساس آن به یک فرد اجازه داده می شود تا جلوی هر حرکت، روند و تلاشی را، بر پایه خواست ها و منافع طبقاتی ارتجاعی ترین قشرهای جامعه، سد کند و اجازه ندهد تا آرمان های میلیون ها ایرانی تحقق یابد. این مشکل ساختاری عبارت است از تمرکز تمامی اهرم های اساسی قدرت سیاسی، از فرماندهی نیروهای مسلح، و ارگان های سرکوب تا کنترل کامل قوه قضائیه و نهادهای نیرومند و تصمیم گیرنده بی همچون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت در دست یک نفر، به نمایندگی از سوی مشتکی کلان سرمایه دار بازاری، که هدفی جز ادامه حکومت و غارت میهن ما ندارند و همه ادعاهای آنان پیرامون «دفاع از اسلام» تنها پرده استتاری است برای عوام فریبی.

امروز انبوه دانشجویان میهن ما، به عنوان یکی از مهمترین نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، با تجربه ملموس و دردناک خود به این نتیجه رسیده اند که «ولی فقیه» و انصارش در جامعه مهمترین سد راه تحول و حرکت روند اصلاحات به جلویند. آنها حق دارند بپرسند چگونه است قوه قضائیه که ریاست آن توسط «ولی فقیه» تعیین می شود و سیاست های آن زیر نظر مستقیم او تنظیم می گردد این چنین بی پروا ظلم می کند و خود را در مقابل هیچ کس و هیچ نهادی پاسخگو نمی داند. مردم ما حق دارند بپرسند چگونه است که دانشجویی آزادی خواه تنها به جرم بلند کردن پیراهن خونین همزمش به اعدام (و سپس حبس سنگین) محکوم می شود و آنوقت جنایتکاران وزارت اطلاعات که آنهم زیر نظر مستقیم «ولی فقیه» کار می کردند، این چنین پشت درهای بسته «محاکمه» می شوند و لابد بعداً همچون محکومین ترور حجاریان حتی به زندان نیز نمی روند و آزادی شوند تا به فعالیت های جنایتکارانه خود ادامه دهند.

امروز پس از گذشت چهار سال از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، مردم میهن ما و خصوصاً نیروهای اجتماعی پیشرو و مدافع اصلاحات با دیدی دقیق و ژرف و متکی به تجربه غنی سالها مبارزه با استبداد به مسایل و رویدادهای کشور می نگرند و در برابر انبوه خواست و سؤال هایی که در مقابلشان وجود دارد پاسخ می

با نزدیک تر شدن خرداد ۱۳۸۰، مسأله انتخابات ریاست جمهوری به مهمترین موضوع مورد بحث محافل سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل می شود و دیدگاه های گوناگونی در این زمینه در مطبوعات و رسانه های گروهی کشور بازتاب می یابد. بحث در این زمینه از زوایای متفاوتی قابل تأمل است. از یک سو بحث انتخابات آینده ریاست جمهوری، و ارتباط این موضوع با آینده روند اصلاحات در میهن ما باید مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر سخن بر سر این است که نیروهای مترقی و آزادی خواه در اوضاع کنونی چه وظایفی را پیش رو دارند.

حزب توده ایران، انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را فرزندوم عظیم مردم ایران بر ضد «ولایت مطلقه»، و استبداد و بر ضد شعار «هرچه بیشتر اسلامی کردن ایران»، که از سوی ناطق نوری، رئیس وقت مجلس، و مشاور کنونی «رهبر» عنوان می شد، ارزیابی کرد و این پیروزی را نقطه عطفی در مبارزات مردم میهن ما بر ضد ارتجاع حاکم دانست. حزب ما همچنین در جریان انتخابات ۱۳۷۶، با بررسی شعارها و سیاست های اعلام شده از سوی سید محمد خاتمی، درباره امکان تحقق آزادی و جامعه مدنی در چارچوب رژیم «ولایت فقیه»، چنین مواضع و سیاست هایی را نادرست دانست و مخالفت صریح و آشکار خود را با ایجاد هر گونه توهمی، در این زمینه اعلام کرد. شماری از نیروهای اپوزیسیون راستگرای رژیم، در آن دوران ما را به خاطر این مخالفت به چپ روی و دور شدن از جنبش مردمی متهم کردند، ولی آنچه که امروز پس از گذشت نزدیک به چهار سال در برابر قضاوت تاریخ و همچنین ملاحظه افکار عمومی قرار دارد، صحت ارزیابی و حقانیت انتقادات از سر حسن نیت حزب ما و در مقابل آن بی اعتباری ادعاها و تلاش هایی است که می کوشید استبداد «ولایت فقیه» را با آزادی، جامعه مدنی و «مردم سالاری» آشتی دهد. چهار سال پس از رویداد عظیم دوم خرداد که در آن بیست میلیون ایرانی خواهان تغییرات بنیادین در شیوه حکومت و اداره جامعه شدند، هنوز نه تنها هیچ یک از این خواست ها تحقق نیافته است، بلکه اکنون آقای خاتمی و شماری از مشاوران و نزدیکان او و همچنین رهبران جبهه دوم خرداد، ناچارند، به روشنی و یا تلویحاً، اعلام کنند که مشکلات «ساختاری» در حاکمیت مانع تحقق برنامه های دولت شده است. این مشکلات «ساختاری» دیگر راز مگویی نیست. این مشکلات «ساختاری» چیزی نیست جز

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



اظهار داشت که این جلسه، جلسه محاکمه است. در همین حال خبرهای نگران کننده از وضعیت نامعلوم مهندس سبحانی و علی افشاری از فعالین سیاسی و دانشجویی، نگرانی های جدی را در بین محافل سیاسی دامن زده است. این مسئله از آن رو با اهمیت است که بنا بر اظهارات زیادی که تاکنون صورت گرفته است، ذوب شدگان در ولایت برای تکمیل کردن شوهای تلویزیونی و برنامه جدید «هویت» با انتقال این دو نفر به زندانی نامعلوم آنها را تحت فشار شدید قرار داده اند. روزنامه «حیات نو»، ۵ بهمن نوشت که، مهندس سبحانی و علی افشاری در تماس تلفنی با خانواده های خود ضمن بی اطلاعی از محل بازداشتشان نسبت به وضعیت روحی خود اظهار نگرانی کرده اند. زید آبادی دیگر روزنامه نگار زندانی با وضعیتی تقریباً مشابه در انتظار محاکمه بسر می برد. همسر زیدآبادی در گفتگو با «دوران امروز»، گفت: «طی روزهای اخیر دو شکایت جدید به جمع شکایات های زیدآبادی اضافه شده است.» وی اضافه کرد: «۵ ماه از بازداشت زیدآبادی می گذرد و الآن یک شکایت «امنیتی» مطرح می کنند که به استناد همین شکایات و مفاد آن دادگاه را غیر علنی کنند.» لازم به تذکر است همسر زیدآبادی طی چندین مصاحبه مختلف اعلام کرد که مقامات رژیم با تحت فشار قرار دادن او، می خواهند او را وادار کنند تا «توبه» کند. هفته گذشته ماهنامه «کیان» به دستور مقامات قضایی و به جرم «تشویش افکار عمومی» توقیف گردید و به جمع دیگر نشریات توقیف شده پیوست. در باره حوادث و اتفاقاتی که هفته گذشته اتفاق افتاد و شتاب بیشتری نسبت به چند هفته گذشته داشت اظهارات و نقطه نظرات گوناگونی نیز در این رابطه در روزنامه های داخل کشور انتشار یافت.

آرمین در این رابطه گفت: «احضار تاج زاده، درست بعد از سفر خاتمی به شیراز صورت می گیرد. مخالفان دولت، امید زیادی داشتند که آقای خاتمی در سفر شیراز عدم تمایل خود را برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کند، ولی چنین نشد. احضار آقای تاج زاده آن هم به عنوان متهم، پس از این سفر، اقدامی معنی دار است» (آفتاب یزد، ۴ بهمن). موسوی لاری، وزیر کشور در همایش معاونان سیاسی-امنیتی استانداری های سراسر کشور در بندرعباس گفت: «دعواها، بین احزاب است ولی سنگ و کلوخ آن بر سرما وزارت کشوری ها می خورد. در انتخابات سال ۷۶ شاهد پدیده نوظهوری در فرهنگ سیاسی-مذهبی تحت عنوان کارناوال عاشورا بودیم و بیم آن می رود که آثار کار همان دست ها در انتخابات ۸۰ وارد عمل شود» (حیات نو، ۵ بهمن). محمد سلامتی در این باره گفت: «جناحی در آستانه انتخابات، به دنبال ایجاد بحران های ساختگی است، برخورد مخالفان دولت با جبهه دوم خرداد در آستانه انتخابات معمولاً تشدید می شود» (آفتاب یزد، ۵ بهمن). محمد رضا خاتمی در یک سخنرانی در قم اظهار داشت: «طبق نظر سنجی ها، در صورت حضور مردم در پای صندوق های رای، آرای خاتمی بیش از دوره قبل خواهد بود و به همین جهت تلاش اصلی مخالفین دوم خرداد کاهش مشارکت مردم است» (آفتاب یزد، ۵ بهمن). روزنامه «آفتاب یزد» ۶ بهمن در این رابطه مصاحبه هایی را با عبایی خراسانی، جلائی پور، منتجب نیا و فاطمه حقیقت جو انجام داده که نظراتی مشابه را بیان کرده اند. در همین حال روزنامه «دوران امروز» ۴ بهمن، در گزارشی از گردهمایی جمعیت مولفه شروط این جمعیت برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری را، نصب مسئول ستاد انتخابات کشور از عنصری بی طرف و فراجناحی، ارائه کارنامه شفاف از عملکرد دولت بعد از دوم خرداد، رفع دغدغه های فرهنگی متدینین، تقویت نظارت شورای نگهبان، فراهم کردن زمینه رقابت سالم، رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و جوانان بویژه کارگران و معلمان اعلام کرده است. هدف از بازگو کردن حوادث اخیر در میهنمان توجه به چند مسئله حیاتی است که پیشرفت جنبش مردمی در ارتباط تنگاتنگ با

## □ نگاهی به رویدادهای ایران

### □ در هفته ای که گذشت

مذهبی ناآگاه به هر حال یک نیروی اجتماعی را برای آنان پدید خواهد آورد. عدم توجه به خواست های کارگری، همسویی با مواضع ارتجاعی در مورد زنان، بی توجهی به مسائیل دانشجویی و عدم حمایت بهینه از آنها ضرباتی بوده که جنبش را با مشکلات عدیده ای مواجه ساخته است. سرخوردگی و یاس از اصلاحات را باید در عدم توجه به خواست ها و نیازهای اساسی این نیروهای اجتماعی جستجو کرد. به همین دلیل مبارزه قاطعانه با اقدامات سرکوب گرانه ذوب شدگان در ولایت را نباید به روز بعد از انتخابات موکول کرد. باید به نقش تعیین کننده نیروهای اجتماعی اهمیتی بیش از پیش قایل شد و زمینه های مشارکت آنها را با ایجاد شکل های مستقل صنفی و سیاسی تقویت کرد.

### سکوتی که شکسته می شود

در پی انتشار نامه ای از دانشجویان به علی خامنه ای ولی فقیه رژیم در هفته گذشته و سکوت رسانه های داخلی در ایران در این باره، در روزهای اخیر اظهار نظرهایی در این مورد ایراد شده است که برعکس پنهان کاری رژیم کم کم آنها را مجبور کرده است در این مورد عکس العملی نشان بدهند. روزنامه «انتخاب»، چهارشنبه ۵ بهمن از قول یونسوی وزیر اطلاعات می نویسد: «اگر دانشجویی از من و شما مسئول انتقاد کرد، به معنای بی اعتقادی آنان به دین و اسلام و ولایت نیست. دانشجویان و مردم عمیقاً متدین و همچون نظام دارای ظرفیت بالایی هستند. مسئولان نیز باید ظرفیت خود را همچون نظام و مردم بالا ببرند. نباید با اندک ایراد و انتقاد مایوس شده و بگویم کار تمام شد همه چیز دارد از بین می رود، تحرک و فعالیت جریان های داخلی هیچ تهدید و خطری برای نظام نبوده بلکه برای کشور مثبت هستند.» منوچهری عضو دفتر مرکزی تحکیم وحدت نیز گفت: «کسانی که انتقاد را بی اعتقادی به نظام اسلامی می دانند، با دلایل مختلف و مختص خودشان به این نتایج رسیده اند و بهتر است از خودشان سوال شود.» او با اشاره به نقش انتقاد سازنده دانشجویان در اصلاح امور و بهبود وضعیت، اظهار داشت: «نفس انتقاد سازنده است ولی وقتی توسط دانشجویان صورت می گیرد، سازنده تر است.» منوچهری اظهار داشت که باید فضای انتقاد کردن را برای قشر جوان و خصوصاً دانشجویان باز گذاشت» (ایستنا، جمعه ۷ دی ماه). شیخ دیگر عضو دفتر مرکزی تحکیم وحدت نیز در اظهاراتی گفت: «دانشجویان به عنوان چشمان نگران و مغزهای متفکر این مرز و بوم حق دارند دغدغه و نگرانی هایشان را بیان کنند و

آن قرار دارد. از صحبت های اظهار شده در این رابطه چنین استنباط می شود که اقدامات سرکوبگرانه به دلیل حساسیت انتخابات ریاست جمهوری سال آینده می باشد و همین طرز تلقی این توهم را به وجود می آورد که این روند بعد از انتخابات متوقف خواهد گردید. به همین دلیل در تمامی اظهارات بالا اشاره گردیده است که هدف جناح حکومتی طرفدار سرکوب، پایین آوردن میزان مشارکت مردم در این انتخابات پیش رو می باشد. اگر به اظهارات محسن آرمین در این مورد توجه کنیم به نوعی تضاد و دوگانگی در برخورد با تحولات سیاسی کشورمان از طرف جناح حکومتی طرفدار اصلاح خواهیم رسید. آرمین در مورد اقدامات جناح مخالف می گوید: «حرف مخالفان این است که دولت ناکام بوده و مردم از اصلاحات زده شده اند. اگر این حرف ها درست است، یعنی زمینه سیاسی مناسبی برای آنها بوجود آمده است و در این ادعاها صادق هستند، کاندیدادی خودشان را معرفی کنند و رقابت آزاد را بپذیرند» (دوران امروز، سه شنبه ۵ بهمن). اظهارات مشابهی را دیگر حکومتیان و فعالان سیاسی طرفدار اصلاحات بیان کرده اند و کسانی که روند تحولات سیاسی را از نزدیک دنبال می کنند کاملاً به آن واقف هستند. اگر این موضع گیری را واقع بینانه ارزیابی کنیم این سوال مطرح می شود که پس هراس فعالان سیاسی طرفدار اصلاحات از عدم مشارکت مردم در انتخابات پیش رو از چه بابت است؟

اگر این ارزیابی مورد قبول واقع شود این سوال باز هم مطرح می شود که آیا اقدامات سرکوب گرانه تنها و تنها به دلیل انتخابات ریاست جمهوری در پیش رو می باشد؟ آیا بعد از انتخابات این اقدامات به طور خود به خودی متوقف می شود؟ برای رد این خوش باوری استناد به انتخابات مجلس ششم قابل تعمق است. قبل از تشکیل مجلس ششم و حتی بعد از آن، نمایندگان با بزرگ نمایی حضور گسترده مردم و اینکه وعده های داده شده به مردم با تصویب لوایح جدید صورت تحقق پیدا خواهد کرد، امیدهای زیادی را در اذهان عمومی پدید آوردند. با اینکه مدت زیادی از عمر مجلس ششم نمی گذرد، اما تاکنون حتی یک لایحه مردمی در رابطه با اصلاحات از سد شورای نگهبان نتوانسته بگذرد. شرکت گسترده مردم در انتخابات چند ساله گذشته نوعی ابراز مخالفت با سیاست های تآکونونی رژیم ولایت فقیه باید تلقی گردد. این روش به عنوان گزینه بی مطلوب از طرف مردم بر ضد سرکوب گران صورت گرفته و ثمرات خود را نیز در بر داشته است. صرف شرکت فعال مردم در انتخابات به خودی خود نمی تواند تضمین کننده روند پیشرفت جنبش باشد. اقدامات جناح مخالف اصلاح نه تنها نمی تواند مانعی بر سر خواست های مردم ایجاد کند بلکه عزم آنها را در این راه مصمم تر می کند. آیا جنبش مردمی برای پیروزی به سلاحی جز نیروی اجتماعی خود می تواند متکی باشد؟ آیا از این نیروی اجتماعی عظیم (زنان، کارگران، دانشجویان و...) استفاده گردیده است؟ شروط هیئت مولفه برای حضور در انتخابات سال آینده حاوی یک نکته کلیدی است که اتفاقاً تضادفی بیان نشده است. «رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و جوانان بویژه کارگران و معلمان»، نشان دهنده هویشیاری مرتجعان برای استفاده از هر نیروی اجتماعی به نفع مقاصد شوم خود است. در همین رابطه سفرهای ممتد و دوره ای مصباح یزدی تئورسین ترور رژیم ولایت فقیه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. چنین سفرها و سخنرانی ها باید کاملاً حساب شده و با برنامه ریزی کامل صورت گرفته باشد بخصوص اینکه شایع است یک هواپیمای خصوصی هم در این رابطه در اختیار او گذاشته شده است. استفاده از نیروهای



حزب، تشکیل شد. مجله «دنیا» از شماره ۶ به بعد، از سوی کمیته مرکزی، به عنوان ارگان رسمی حزب برگزیده شد. در مجله «دنیا» آثار ارزشمندی از ارانی، مانند: ماتریالیسم دیالکتیک، عرفان و اصول مادی، پول از نظر اقتصادی، بشر از نظر مادی، تاریخ علوم، تکامل موجودات و ... به چاپ رسید. مجله «دنیا» در جنبش کارگری و کمونیستی ایران نقشی بسیار گرانبها و موثر داشت. رفیق ارانی در بیدادگاه رضاخان، در دفاع از مجله «دنیا»، گفت: «این مجله علمی است و افکار فلسفی را چنان که پشت جلد آن هم چاپ شده، از نظر مادی بحث می نماید. شما مجله «دنیا» را که من و جامعه ایران، در این دوره فقر مطبوعات به وجود آن مفتخریم به دقت بخوانید و اگر انصاف دارید که انتشار آن جز خدمت و تحصیل افتخار برای جامعه ایرانی چیز دیگری نبوده، تمام ادعا را باطل دانسته بیش از این مرتکب جنایت نشوید.» مجله «دنیا» متأسفانه به دلایل گوناگون از جمله خفقان پلیسی در زمان رضاخان، نتوانست بیش از ۱۲ شماره منتشر شود.

### یورش دوباره استبداد

با احیای فعالیت حزب کمونیست ایران و مبارزه قاطعانه ارانی و یارانش، جنبش اعتصابی، به ویژه در میان جوانان و دانشجویان، گسترش یافت. در سال های ۱۳۱۳-۱۳۱۴، چندین اعتصاب گسترده در دانشگاه تهران و دانشکده فنی، به رهبری سازمان مخفی حزب کمونیست ایران، به وجود آمد. پلیس رضاخان، در وحشت از رشد جنبش دموکراتیک، در اوایل سال ۱۳۱۵، تعداد بسیاری از آزادی خواهان، از جمله دانشجویان مبارز و در اردیبهشت ۱۳۱۶ رفیق ارانی و عده بی از یارانش «گروه ۵۳ نفر» را دستگیر و زندانی کرد. در آبان ماه ۱۳۱۷ دادگاه فرمایشی از سوی رژیم فاشیستی تشکیل شد، ولی با مقاومت و دفاع جانانه رفیق ارانی و دیگر یاران به دادگاهی بر ضد خود بدل شد. رفیق ارانی با وجود شکنجه های توانفرسا، در دفاعیه کوبنده شش ساعته خود، با محکوم کردن رژیم خودکامه، قاطعانه به دفاع از اندیشه های سوسیالیسم علمی، آزادی و عدالت اجتماعی پرداخت: «انصاف بدهید آیا اشخاصی که «قانون سیاه» را وضع کرده اند، صلاحیت این کار را داشته و یا راجع به افکاری که قدغن کرده اند، کوچکترین رساله ای هم مطالعه کرده اند؟ به طور یقین، نه، والا مرتکب این جنایت نمی شدند. چطور می توان عقایدی را قدغن کرد که ریشه علمی آن، با آغاز جامعه بشر شروع شده، در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر می نمایند. هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت حیات کوتاه خود، به اندازه سوسیالیسم و کمونیسم، راجع به آن کتاب تالیف و به این کثرت انتشار یافته باشد... چطور می توان بدون مطالعه کوچکترین ورق از این کتابخانه ها، داشتن یک عقیده را با یک قانون اجتماعی قدغن کرد؟ واقعاً شرم آور است که تمام پرونده های متهمین این دسته، پر است از سوالاتی که آیا فلان کتاب را خوانده یا ترجمه کرده یا امانت داده یا فلان بحث علمی را کرده اید. مخالفت با موازین اخلاقی و نوامیس مقدسه بشر، به قدری صورت و قبح به خود گرفته است که عقیده ای که از آزادی و صلح و جلوگیری از فقر و فساد و فحشا و خونریزی، صحبت می کند، با مجازات ده سال حبس تعقیب می شود. و چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنها، در آن اینقدر سخت مجازات می شود.»

رفیق ارانی، در بیدادگاه فرمایشی رژیم فاسد رضاخانی، به ده سال در زندان انفرادی محکوم شد. در آخرین دفاعیه تاریخی خود، با استواری بسان کوهساران، گفت: «من از شما تقاضا نمی کنم مرا تبرئه کنید. می دانم تبرئه کردن ارانی با خصوصیات که شهربانی از او برای شما ذکر کرده است، مشکل است، خیلی هم مشکل است. آقایان قضات! من اطمینان دارم که تا ده سال دیگر نمی مانم. اگر شما احتمال می دهید که ده سال دیگر زنده باشید، پس این نظر را قبول کنید که ده سال عمر، ارزش این همه جنایت را ندارد.» سرانجام حکومت وحشت و ترور، که در پشت دیوارهای سیاه انفرادی نیز، از نام ارانی در هراس بود، در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸، فرزند قهرمان خلق های ایران را به شهادت رساند. او تا آخرین لحظه های زندگی سرشار از شور مبارزه اش، در برابر جلادان، سر فرود نیاورد.

زورقی سپید بود

سوی بحر بی کرانه در شبی چنین

بادبان گشود و رفت

### بر گرفته از شعر: عشق را و درد را سروده سیاوش کسری

رفیق ارانی، نماینده جنبشی بود که از درون خلق های ایران برخاسته بود. او جان شیفته اش را در راه آرمان های انسانی، نثار کرد. راهی صعب و پرشکوه، راهی روشن، که آزادگانی چون احسان طبری ها، خسرو روزه ها، حیدر مهرگان ها، سیمین فردین ها و ... برای تحقق اندیشه های ارانی از آن سربلند و استوار گذشتند. یادش زنده و نامش گرامی و پرچم رزمی که در میهن ما برافراشت، تا تحقق اندیشه های تابناکش، در اهتزاز باد!

## شصت و یکمین سالگرد شهادت دکتر «تقی ارانی»، دوست و آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان میهن ما: انسان بی مرگ، انسان ماه بهمن

تونمی دانی غریو یک عظمت

وقتی که در شکنجه یک شکست نمی نالد

چه کوهی است!

تونمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان

وقتی که در چشم حاکم یک هراس خیره می شود!

چه دریایی ست!

تونمی دانی مردن

وقتی که انسان مرگ را شکست داده است

چه زندگی است!

تونمی دانی زندگی چیست، فتح چیست

تونمی دانی ارانی کیست

### (بر گرفته از قصیده برای انسان ماه بهمن، سروده احمد شاملو)

همزمان با تلاش رضاخان برای سرکوب آزادی خواهان، در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما، برگ تازه ای گشوده شد که نام دکتر تقی ارانی، انسان بزرگ، اندیشه ورز برجسته و کمونیست انقلابی، برای همیشه در آن ثبت شد.

رفیق ارانی، در سال ۱۲۸۱ شمسی، در تبریز زاده شد. دوران کودکی و نوجوانی اش، دوران آشوب ها، شکست ها، پیروزی ها بود: انقلاب مسروطیت، جنبش رهایی بخش گیلان، آذربایجان، خراسان، و پیروزی انقلاب اکتبر... در ۱۸ سالگی، هنگام تحصیل در دبیرستان- همزمان با تاسیس حزب کمونیست ایران (کنگره انزلی ۱۲۹۹)- در تظاهرات بر ضد قرارداد ننگین وثوق الدوله- انگلیس شرکت کرد. پس از پایان دبیرستان و مدرسه طب (۱۳۰۰) برای ادامه تحصیل در دانشکده فلسفه دانشگاه برلین، رهسپار آلمان شد. به عضویت «جسمیت مبارزه علیه دیکتاتوری» رضاخان درآمد، به جنبش کارگری گرایش پیدا کرد، با گروه های مترقی دانشجویان تماس گرفت، عمیقاً به فراگرفتن مارکسیسم- لنینیسم پرداخت، و سرانجام، به حزب کمونیست ایران پیوست.

رضاخان، که در سال ۱۳۰۴ با حمایت امپریالیسم انگلیس به سلطنت رسید، برای جلوگیری از جنبش انقلابی توده ها، یورش به سازمان های کمونیستی و کارگری ایران را گسترش داد. در سال ۱۳۰۶ حزب کمونیست ایران برای تقویت فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب در داخل و در مهاجرت، کنگره دوم حزب را در ارومیه تشکیل داد. مجله «ستاره سرخ» ارگان کمیته مرکزی و روزنامه های «بیرق انقلاب»، «نهضت» و «پیکار» منتشر شدند. رفیق ارانی تا زمان بازگشت به ایران، از نویسندگان و گردانندگان روزنامه ها و مجلات مختلف در برلین بود. هم زمان با دریافت دکترای خود در رشته شیمی (۱۳۰۸)، به کار استادی در دانشکده خاور شناسی برلین پرداخت و آثار و ارزشی در زمینه فرهنگ و ادب و هنر ایران به چاپ رساند.

### مبارزه در ایران

رفیق ارانی، پیش از بازگشت به ایران (۱۳۰۹) برای ادامه مبارزه، با رهبری حزب در مهاجرت تماس گرفت، و برنامه کارش را در ایران به بحث گذاشت: استفاده از تمامی امکانات علنی و شیوه های کار مخفی برای احیای سازمان های حزبی و نشر افکار و عقاید مارکسیستی. در ایران، همزمان با فعالیت های سیاسی- تشکیلاتی، به تدریس فیزیک و شیمی در دبیرستان های تهران پرداخت و آثار علمی گرانبهایی، از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک، به چاپ رساند. دیکتاتوری رضاخانی که نمی توانست شاهد اوج گیری تازه جنبش دموکراتیک، به ویژه حزب کمونیست ایران، باشد، در تاریخ ۱۰ خرداد (۱۳۱۰)، «قانون سیاه» منع تبلیغات کمونیستی را از مجلس دست نشانده خود گذراند.

### مجله دنیا

رفیق ارانی، در فروردین ماه ۱۳۱۲، نخستین شماره مجله «دنیا» را انتشار داد. در سال ۱۳۱۳، بنا به تصمیم کمیته مرکزی حزب در مهاجرت، یک هیئت سه نفری: رفقا ارانی، سیامک و کامبخش، برای بازسازی فعالیت سازمانی و ایدئولوژیکی



گزارشی از هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

## کنگره شانزدهم حزب کمونیست یونان در راه ساختمان جبهه دموکراتیک مبارزه ضد امپریالیستی و ضد انحصاری



کنگره شانزدهم حزب کمونیست یونان، در روزهای ۲۴ تا ۲۷ آذر ماه، در آتن، با موفقیت برگزار گردید. کنگره شانزدهم که در شرایط بسیار حساس در حیات جامعه یونان برگزار می شد، وظیفه دقیق مشخصات جبهه پیشنهادی حزب کمونیست را زیر عنوان «جبهه دموکراتیک مبارزه ضد امپریالیستی، ضد انحصاری» به عهده داشت. صد ها نماینده حاضر در کنگره، با مطالعه و بحث در زمینه تزیهای کمیته مرکزی در پنج عرصه: ۱. تحولات در سیستم امپریالیسم بین المللی، ۲. تحولات یونان، ۳. دیدگاه های سیاسی حزب کمونیست در رابطه با جبهه، ۴. گزارش فعالیتهای حزب در فاصله زمانی دو کنگره و ۵. وظایف حزب در دوره آینده، آنها را تأیید کردند و درباره ارائه راهنامی عمل همه جانبه برای کمونیستهای یونانی در مبارزه پیچیده و سرنوشت ساز شان برای سوسیالیسم و تقویت نقش محوری حزب برادر در مبارزه زحمتکشان یونان تصمیمات کلیدی اتخاذ کردند. حضور نمایندگان بیش از هشتاد و دو حزب و سازمان سیاسی کمونیستی، کارگری و ترقی خواه، و از جمله ساختارهای سندیکایی بین المللی منعکس کننده اهمیت این کنگره بود. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به دعوت رهبری حزب کمونیست یونان، در کنگره شرکت فعال داشت.

ترقی خواهان و زحمتکشان یونان به کنگره شانزدهم حزب کمونیست یونان که همزمان با تحولات سریع و پیچیده در منطقه بالکان، ادامه تنش میان این کشور و ترکیه و گسترش و تقویت بندهای اسارت آور میان یونان و اتحادیه اروپا برگزار می گردید، به مثابه پلانفرمی ذی قیمت برای باز اندیشی درباره تاکتیک های مبارزاتی در مقابله با امپریالیسم جهانی نظر دوختند. حضور و سخنرانی هیئت های رهبری تمامی احزاب سیاسی اصلی یونان در کنگره، و از جمله حزب سوسیالیست یونان که قدرت دولتی را بدست دارد، انعکاسی از اهمیت این کنگره و موقعیت حزب برادر در حیات سیاسی یونان بود.

دستور کار رسمی کنگره با سخنرانی طولانی و همه جانبه رفیق آلگا پا پاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان، آغاز گردید. رهبر حزب برادر در آغاز اهمیت لحظه و لزوم اقدام قاطع را مورد تأیید قرار داد: «ما وظیفه و همچنین توانایی ادامه مبارزه متحد خلق بر ضد تجاوز امپریالیستی و صلح دروغین تحت تهدید اسلحه را داریم. این کافی نیست که فقر، قحطی و

مقولاتی از این دست را، سرکوب اقلیت ها را، تمرکز ثروت، بهره برداری سرمایه داری از تکنولوژی های جدید، فساد مسلط در شبکه تغذیه، جنگ و مداخله نظامی، نظامی شدن اتحادیه اروپا را مقصد بدانیم. ما می بایست صفی از ائتلاف قدرتمند مردم، کارگران، احزاب کمونیست و کارگری، نیروهای ضد امپریالیستی رادیکال، همه آنان که برای داشتن حق تصمیم گیری در مورد حال و آینده خود، برای تحول جامعه شان، مبارزه می کنند، تشکیل بدهیم. صف ائتلافی را تشکیل بدهیم که بر ضد فتالیسم (سرنوشت باوری) و ایده «هیچ کاری نمی شود کرد چون که این یک واقعیت است.» مبارزه می کنند»

رفیق پاپاریگا، با اشاره به کار تدارکاتی کنگره، که از طریق برگزاری کنفرانس های منطقه ای و جلسات بحث به منظور تدقیق مفاهیم بفرنج سند تز های کمیته مرکزی از قبیل «قدرت خلقی»، و اقتصاد خلقی، صورت گرفته بود، در رابطه با لزوم بسیج تمامی ساختار حزب از پایه تا رهبری برای مبارزه در مسیر اجرای تصمیمات کنگره سخن گفت و اعلام کرد: «ما مسیولیتی بزرگ داریم که اقدام مشترک و همکاری را در آن جا هایی که شرایط آن ایجاد شده است، تحکیم کنیم. این همکاری به ما اجازه پیشرفت به مقطعی را می دهد که بتوانیم با فعالیتهای و ابتکارات و گسترش نیروهای شرکت کننده در جبهه مشترک تمامی جامعه یونان را بحرکت درآوریم.»

رهبر کمونیست های یونان در رابطه با عقیم بودن سوسیال دموکراسی در مرحله تاریخی کنونی از ایفای نقش مثبت جدی در مبارزه زحمتکشان گفت: «سوسیال دموکراسی ثابت کرده است که در اداره سیستم از طریق شتاب دادن به اجرای سیاست های مدیریت نولیبرالی، خصوصی کردن موسسات تولیدی، که سرمایه های بزرگی را ذخیره دارند، شدت بخشیدن به تجارتهای شدن آموزش و پرورش، سیستم درمانی، تأمین اجتماعی، تغییر ساختار ارتجاعی بازار کار با هدف تقلیل بهای نیروی کار، قابلیت دارد.»

مشخصه طبقاتی سیاست های سوسیال دموکراسی، همسویی با سیاست احزاب محافظه کار کلاسیک و برپایی کارزار برای هتک حیثیت سوسیالیسم است. نمونه ها و نشانه های مهمی از جان گرفتن دوباره جنبش وجود دارد. روندهای مثبتی، مخصوصاً در قشرهای زحمتکش مردم مشاهده می شود، و همزمان، روند های دیگری در حال نفض گرفتن اند. در ارزیابی تحولات یونان، رخدادهای بین المللی، گرایش ها، حقایق اقتصادی و اجتماعی، مدارک موسسات و بنیادهای امپریالیستی در این سالها، ما به این نتیجه رسیدیم که، هم به لحاظ بین المللی و هم در منطقه خودمان، شرایط در جهت تکوین یک تشدید ناگهانی تضادها در سیستم سرمایه داری بین المللی و پدیده فساد و رکود، آماده می شود. شرایط عینی بی وجود دارند که دربر دارنده بحرانی عمومی اند که نهایتاً اجزای عینی یک بحران سراسری را تشکیل می دهند که در یک و یا گروهی از کشورها روی خواهد داد. «بی دلیل نیست که مسئولین مراکز اقتصادی و سیاسی امپریالیسم به طور فزاینده ای امکان و احتمال مواجهه بشریت را با یک بحران جهانی بررسی می کنند. اثر این بحران را امروز به لحاظ سطح بالای تمرکز تولید و اجتماعی شدن نیروی کار از سوی، و

رفیق پاپاریگا ضمن اشاره به دشواری هایی که محصول موازنه نامساعد نیروها در مبارزات جهانی برای سوسیالیسم اند، به پایداری حزب در دفاع از مواضع خود تأکید کرد و گفت: «همان گونه که در بیانیه به مناسبت هشتادمین سالگرد حزبمان تأکید شد تاریخ انسانی یک روند پیشرفت ادامه یابنده است که در بردارنده پیشرفت و فروکش های موقت است. بهر تاول، گذر از قلمرو نیاز به قلمرو آزادی یک قانون طبیعی است.»

رهبر حزب برادر، با اشاره به تحلیل مقوله «جهانی شدن» که در سند تز های کمیته مرکزی آمده است، به لزوم برخورد طبقاتی توجه داد. در این سند آمده است: «بهره برداری ایدئولوژیک و تبلیغات بورژوازی از واژه غیر طبقاتی «جهانی شدن» به منظور پوشاندن ماهیت طبقاتی سیستم بین المللی و تحمیل این نظر است که تنها یک راه، راه کاپیتالیستی، برای بین المللی شدن وجود دارد. آنهاکوشش می کنند که به دولت بورژوازی سیمای موجودیتی اجرایی و کارگزار را بدهند، که گویا از نظر طبقاتی خنثی است، و مسیولیت آن تسهیل شرکت کشورها در



ادامه شانزدهمین کنگره حزب کمونیست یونان ...

متمرکز شدن ثروت اجتماعی در دست های کمتری از سوی دیگر، نمی توان با شیوه های استاندارد و یا گونه ای از استاندارد از آنها تخفیف داد. تضادها و رقابت ها بین مراکز مختلف منطقه ای امپریالیسم و رقابت ها در درون این مراکز رشد یافته و بی رحمانه تر می شوند و لذا امپریالیسم خطرناک تر می شود. ...

به نظر رفیق پاپاریگا تنها کافی نیست که در کنار مردم که با مشکلات و مبارزات رویارو هستند، باشیم. آنچه اهمیت دارد این است که روند های مثبت تسریع شوند و پیش پندارها در مورد یک ضد حمله عمومی برای هموار کردن مسیر تغییرات رادیکال در کشورمان در رابطه با قدرت و سمت گیری عمومی کشور عمل کنند.

رفیق پاپاریگا، در ارزیابی منتقدانه از فعالیتها و عملکرد حزب در چهار ساله گذشته به منظور توسعه شرایط مساعد برای ایجاد جبهه به مشکلات اشاره کرد: «ارتباط بین استراتژی و تاکتیک ها در فعالیت روزمره و در ایجاد پیش شرط های ساختمان جبهه ضعیف است. ما از توجه لازم و تاکید بر مطالعه، توسعه و دورنمای اشکال و روش های رهبری، عمل و تبلیغات توده ای که متناسب با خصلت وظایف و اهداف سیاسی حزب، فعالیت اعضای حزب و شرکت آنان در اجرای تصمیم ها تقویت کند، قصور ورزیده ایم. برغم هر پیشرفتی که کسب کرده ایم، کار سیستماتیک با کادرها به منظور بهبود سطح آیدئولوژیک و سیاسی آنان، آموزش دانش تئوریک و بهبود شیوه عمل و وسعت دادن تجربه آنان به منظور پاسخ گویی به نیازهای فزاینده امروز باشند، انجام نشده است. مطالعه عمیق و تعمیق سازنده تجربه ما از عمل سیاسی و توده ای، از پیشرفت مبارزه طبقاتی، از مبارزات در کل، و از بسیج نیروهای سیاسی باید به صورت روزانه انجام بگیرد، و شیوه معمول کار ما باشد. این امر باید همچنین شامل کسب تجربه بین المللی از جنبش کارگری، از مبارزات مردمی و از سیاست ائتلاف جنبش کارگری در جهان سرمایه داری باشد.

نتیجه اساسی در تزه های کنگره شانزدهم بحث درباره ضرورت ایجاد یک جبهه بی است برای ائتلاف و همکاری با نیروها و شخصیت های اجتماعی و سیاسی که مبارزه مردم را بر ضد مشکلات روزمره آنان سازمان دهد، تا اکثریت مردم را متقاعد خواهد سازد که قربانی دادن در راه مبارزه بی که هدف آن تصاحب قدرت خلقی است، ارزش دارد، قدرت خلقی بی یا مشخصه های اصلی: ملی کردن منابع طبیعی کشور، تمرکز وسایل تولید، و سپردن کنترل اجتماعی به دست کارگران. قدرت خلقی اقتصاد خلقی بی را سازمان خواهد داد که پایه مادی رفاه اجتماعی، آزادی و استقلال سیاسی کشور در مقابل نظم امپریالیستی خواهد بود.

ما از واژه جبهه مردمی و یا ائتلاف مردمی برای دادن ویژگی جنبش، نیاز به نه فقط جلب اعتماد اکثریت مردم، بلکه یاری دادن به نیروهای خلقی برای جلو آمدن، برای تصاحب قدرت، مقابله با ارتجاع محلی و بین المللی که در صورت مواجه شدن با خطر از دست دادن کنترل کشور بی تفاوت نخواهد ماند، استفاده می کنیم. از همان لحظه بی که از ائتلاف صحبت می کنیم برای ما کاملا واضح است که در مورد همه مسایل به طور یکسان موافقت وجود ندارد، نه فقط به دلایل سیاسی، بلکه بدین سبب که نیروهای اجتماعی منافع کاملاً یکسانی ندارند. آنها در کنار منافع مشترک در مبارزه، مشترک اختلافاتی نیز دارند. ...

رفیق پاپاریگا در بخش پایانی سخنرانی خود به لزوم حیاتی مطالعه همه جانبه تجربه ساختمان سوسیالیسم و پیروزی ضد انقلاب در کشورهای سوسیالیستی سابق در شرق اروپا اشاره کرد. رفیق پاپاریگا برخی مسایل مهم در چنین مطالعه بی را: «کم توجهی به تضادهای داخلی سوسیالیسم، که به نتایج منفی در سطوح اقتصادی- اجتماعی و سیاسی منجر شد و تاخیر در تکامل سازنده تئوری و لذا توسعه بخشیدن و غنی کردن تئوری بر پایه ساختمان سوسیالیسم و عمل نیروهای انقلابی» را مورد اشاره قرار داد.

■ ■ ■

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی توده ایران، در طول مدت کنگره، با تشکیل جلسات دو جانبه و چند جانبه درباره تحولات کشور و منطقه با احزاب برادر به تبادل نظر پرداخت.

در ملاقات با هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست کارگری از سودان، آفریقای جنوبی، لبنان، اسرائیل، عراق، فلسطین، ترکیه، امکان گسترش روابط میان احزاب ما مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین در ملاقات رسمی بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق ارستوس کولوزف، عضو هیئت سیاسی و مسئول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست یونان- روابط متقابل دو حزب مورد مذاکره و تصمیم گیری های ضروری قرار گرفت.

نوزدهمین کنگره آکل

کوششی در جهت صف بندی نیروهای چپ در مقابله با نظم نوین جهانی

کنگره نوزدهم آکل، حزب مترقی زحمتکش قبرس، در روزهای ۱۷ الی ۲۰ آذر ماه جاری، در مرکز بین المللی کنفرانس ها، در قبرس، در نیکوزیا، پایتخت این کشور، برگزار شد. مطرح بودن عضویت قبرس در اتحادیه اروپا، بحث داغ درباره ماهیت اتحادیه اروپا و عواقب توسعه و انسجام آن برای نیروهای مترقی در اروپا، و موازنه بین المللی نیروها به منظور پیدا کردن راه حلی برای خاتمه دادن به اشغال منطقه شمالی قبرس توسط ارتش ترکیه (عضو ناتو و نامزد عضویت در اتحادیه اروپا) به تصمیمات این کنگره اهمیت ویژه ای داده بود کنگره وظیفه تصریح سیاست حزب در مورد مسئله قبرس، «سیاستی که درست است، بر پایه اصول قرار دارد و امکان بیرون کشیدن ما از بن بست کنونی را دارد» در مقابل خود قرار داده بود. کنگره همچنین مسیر قبرس در راهیابی به اتحادیه اروپا را به منظور کمک به یافتن راه حلی مناسب برای مسئله قبرس مورد ارزیابی قرار داد.

این حقیقت که آکل قویترین نیروی سیاسی متشکل و فعال در حیات سیاسی- اجتماعی- اقتصادی قبرس است و در حکم نیروی است که یک سوم مردم قبرس از سیاست های آن حمایت فعال می کنند، در چهره شخصیت های سیاسی و اجتماعی قبرس که در مراسم بازگشایی کنگره شرکت کرده بودند، منعکس بود. جانشین رئیس جمهوری قبرس، اسقف اعظم قبرس، اعضای کابینه، سخنگوی پارلمان، روسای کمیسیون های مختلف پارلمان، رئیس ستاد ارتش قبرس، شعرا، نویسندگان و آهنگسازان برجسته قبرس، و سفیر کشورهای بزرگ جهان در مراسم افتتاح کنگره شرکت داشتند. نفوذ وسیع اجتماعی آکل در قبرس ۳۳ درصد آرائی است که زحمتکش این کشور در انتخابات پارلمانی ماه مه سال ۱۹۹۶ به نفع کاندیداهای آکل به صندوق ریختند، منعکس است. کسب ۴۹/۲ درصد آراء توسط جورج ایاکو، کاندیدای مورد حمایت آکل، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۸، نمایشگر موقعیت ویژه این حزب به مثابه سنگر مبارزه برای حقوق زحمتکش است. حضور تعداد زیادی میهمان نان خارجی که ۵۶ حزب کمونیست، کارگری و احزاب مترقی و جنبش های آزادی بخش جهان را نمایندگی می کردند از دیگر نکات برجسته کنگره بود.

رهبری آکل با سازمان دادن جلسه دیداری با رئیس جمهوری قبرس این حقیقت را که نیروهای مترقی جهان و در راس آن احزاب کمونیست مدافع راه حلی اصولی برای مسئله قبرس بر پایه قطعنامه های سازمان ملل اند، را به نمایش گذاشت. در طول این جلسه معارفه رسمی رفیق دیمتروس کریستوفیاس، دبیر کل کمیته مرکزی آکل، در رابطه با مباحثات کنگره و قطعنامه ویژه در رابطه با مسئله قبرس سخنانی اظهار داشت و کلیدس، رئیس جمهوری قبرس، ضمن تشکر از حضور نمایندگان احزاب مترقی و حمایت آنان از مبارزه مردم قبرس به تشریح تلاش های بین المللی برای پایان دادن به مسئله اشغال نیمه شمالی قبرس توسط نیروهای ارتش ترکیه، که بیش از ۲۶ سال ادامه داشته است، و عواقب اجتماعی و انسانی آن پرداخت.

کنگره نوزدهم آکل را باید کوششی موفق از سوی ترقی خواهان قبرس در جهت مطرح ساختن برنامه سیاسی ترقی خواهانه و رادیکال در زمینه یافتن راه حل قطعی و پایدار مسئله اشغال غیر قانونی نیمه شمالی کشور و ترسیم خطوط برنامه ای اصلاحات رادیکال اجتماعی- اقتصادی در قبرس دانست. رفیق کریستوفیاس در سخنرانی مفصل و همه جانبه خود در شروع کنگره ضمن اشاره به اسناد «تزه های کمیته مرکزی» و «مدرنیزاسیون» مفصلاً درباره جهانی شدن و نظم نوین جهانی و اثر تحولات جهان بر راه حل مسئله قبرس سخن گفت. نکات کلیدی سخنرانی رهبر حزب برادر، به لحاظ مطرح کردن برخی فرمول بندی های جدید در رابطه با طیف نیروهای اجتماعی- طبقاتی فعال در جنبش بر ضد خشن ترین مظاهر «جهانی شدن» و «نظم نوین» و بویژه توجه او به برخی نیروهای چپ فعال در پارلمان اروپا، شایان توجه است.

رفیق کریستوفر فیاس اظهار داشت: «قبرس یک بخش کوچک جهان است و امروز جهان در مدار جهانی شدن و به اصطلاح نظم نوین جهانی حرکت می کند. درک صحیح این دو واقعیت همچنین به درک بسیاری از مسایل مرتبط با کشور ما کمک می کند، و بنابراین به یافتن بهترین راه ممکن برای مقابله با آنها یاری می رساند. بر اثر توسعه سریع نیروهای مولد، که نتیجه استفاده از دستاوردهای علوم، تکنولوژی، انفورماتیک و ارتباطات است، بشر به چیزی که به آن دهکده جهانی اطلاق می شود، هدایت شده است. این روند هم عینی و هم غیر قابل اجتناب است. این روند اثری تعیین کننده دارد. هیچ کس شک ندارد که جهانی شدن واقعیتی در توسعه جهان است. اما بحث بر سر آن است که محتوی آن به منافع چه کسانی خدمت می کند و منافع چه کسانی را نقض می کند. و ما نباید در این باره فریب بخوریم. امروز جهانی شدن مهر نیروهایی را بر خود دارد که بر جهان امروز حکومت می کنند. این نیروها کسانی جز انحصارات بزرگ و کمپانیهای فرا ملی نیستند. این غول های اقتصادی که منابع اقتصادی آنها از تولید ناخالص ملی اکثر کشورهای جهان بیشتر



ادامه سخنی درباره انتخابات ...

طلبند. بحث بر سر این است که با توجه به بحران همه جانبه کنونی و یورش وسیع و همه جانبه مرتجعان حاکم باید چگونه به استقبال انتخابات ریاست جمهوری آینده رفت. آیا با توجه به همه ضعف ها، مماشات ها و بی عملی دولت خاتمی هنوز باید از او به عنوان نامزد اصلاحات دفاع کرد و یا باید به دنبال جایگزینی گشت؟

حزب توده ایران با توجه به اوضاع بسیار حساس کنونی و با توجه به عدم سازمان یافتگی و انسجام جنبش اصلاح طلبی و همچنین با درک اینکه رهبری جبهه دوم خرداد اصولاً بدست طیف ناهمگونی از نیروهای مختلف با منافع طبقاتی گوناگون اداره می شود، و همچنین با تأمل در قدرت و امکانات وسیع ارتجاع حاکم معتقد است که در اوضاع کنونی جنبش اصلاح طلبی امکان دیگری بجز دفاع از نامزدی آقای خاتمی ندارد. واقعیت این است که در صورتی که خاتمی به عنوان نامزد جبهه دوم خرداد در انتخابات شرکت نکند، باید این امر را قطعی دانست که ارتجاع حاکم با استفاده از اهرم هایی همچون شورای نگهبان اجازه نخواهد که هیچ نامزد دیگری از سوی این جبهه در انتخابات شرکت کند و قطعاً خواهد توانست معضل انتخابات را یکجانبه به نفع استبداد حاکم فیصله داده و ضربه جدی به روند اصلاحات وارد آورد. تصور اینکه ارتجاع حاکم، با توجه به تجربه چهار سال گذشته، بار دیگر حاضر خواهد شد نامزد غیر متعقد به «دوب در ولایت» و یا با «قرائت متفاوت» از مرتجعان حاکم را، و خصوصاً فردی احياناً رادیکال تر و مصمم تر از خاتمی را به عنوان نامزد انتخاباتی قبول کند، خوش خیالی محض و درک نادرست از ماهیت ارتجاع و استبداد حاکم بر میهن ماست. توجه به برخی اظهار نظر های سخنگویان ارتجاع در هفته های اخیر روشن می کند که ارتجاع تمام تلاش خود را به کار خواهد گرفت تا از نامزدی خاتمی بهر شکل ممکن جلوگیری کند. باهنر، نماینده سابق ارتجاع در مجلس شورای اسلامی، ضمن تهدید به تحریم انتخابات ( و شاید طرح زمینه برای ابطال انتخابات در صورت نیاز) می گوید: «حضور موثر مردم در انتخابات وظیفه ملی و شرعی است. مگر اینکه فضا آنچنان مسموم باشد که پرداخت هزینه شرکت در انتخابات ممکن نباشد» (ایرنا، هفتم بهمن ۱۳۷۹). عباسعلی اختری، نماینده «ولی فقیه» و امام جمعه سمنان نیز در سخنانی در نماز جمعه این شهر با حمله شدید به مدافعان اصلاحات از جمله گفت: «حامیان و طرفداران کفرانس برلین و نهضت آزادی می خواهند با فریب و نیرنگ جوانان را تحریک کنند و خط دهند تا مطابق میل آنها در انتخابات رأی دهند» (ایرنا، هفتم بهمن ۱۳۷۹). و در راستای همین حملات حسنی، نماینده «ولی فقیه» در آذربایجان غربی، در حملات شدیدی به اصلاح طلبان و شخص خاتمی از جمله گفت: «اگر انحراف در مجلس، وزرا و رئیس جمهوری پیدا شد آن روز روزی است که شکست انقلاب شروع شده و مردم [البته منظور سعید اسلامی ها و دیگر قداره کشان و جنایتکاران رژیم است] باید جلوی را بگیرند. اگر رئیس جمهوری بخواند سلطنت کند و مجلس بخواند قدرتمندی بکند خود مردم باید جلوی را بگیرند» (ایرنا، هفتم بهمن ۱۳۷۹). و بالاخره نکته اساسی در برنامه ارتجاع از زبان فاکر این است که: «نمی دانم معیارهای آقای خاتمی چیست، اما اگر روال گذشته بخواند ادامه یابد، به نفع ایشان است که اصلاً در صحنه حاضر نشود» (آفتاب یزد، پنجشنبه، ۶ بهمن ۱۳۷۹). به عبارت صریح و روشن اگر خاتمی حتی بخواند همین روال را نیز ادامه دهد ارتجاع خواهان ادامه دولت او نیست. تنها در صورتی ارتجاع موافق ادامه کار خاتمی به عنوان ریاست جمهوری «نظام» است که او در برابر خواست های ارتجاع کاملاً تسلیم گردد و همچون حکومت منفور رفسنجانی راه سرکوب جنبش و خواست های مردم را در پیش گیرد.

با چنین برداشت و درکی است که حزب ما معتقد است که در شرایط تحمیلی کنونی مردم میهن ما متأسفانه انتخاب دیگری ندارند. این درک به معنای تأیید کردن برنامه و برداشت های آقای خاتمی و خصوصاً دفاع او از «ولایت فقیه»، از سوی حزب ما نیست. حزب توده ایران و انبوه نیروهای اجتماعی مدافع آزادی و عدالت اجتماعی همچنان معتقدند که با ادامه حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» بر میهن ما امکان تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک وجود ندارد و تنها با طرد این رژیم است که می توان انسداد کنونی جامعه را شکست و راه را برای تحقق آرمان های مردم گشود. تجربه چهار سال گذشته، و عملکرد رژیم «ولایت فقیه»، درس گرانمایی در این زمینه بوده است که باید همه مدافعان اصلاح طلبی از آن بیاموزند.

بی شک ماه های آینده آستان تحولات مهم و سرنوشت سازی خواهد بود که می تواند در اظهار نظری نهایی و قطعی حزب ما و سایر نیروهای ملی و مترقی درباره انتخابات تأثیر داشته باشد ولی آنچه که از هم اکنون روشن است این است که جنبش مردمی باید با تمام توان خود در راه خنثی کردن ترفند های ارتجاع برای یکطرفه کردن انتخابات به نفع خود بکوشد.

ادامه نوزدهمین کنگره آکل ...

است، روند جهانی شدن رهبری کنند ... جهانی شدن، جلوه مدرن سرمایه داری است که بر پایه مدل به اصطلاح نو لیبرالی در حال توسعه است. جهانی شدن تضادهای پایه بی سرمایه داری را، یعنی تضاد بین نیروی کار و سرمایه، حتی بین سرمایه و بشریت را، حل نکرده است. حتی حامیان سرسخت جهانی شدن بدفعات مجبور شده اند که چهره کره این نوع جهانی شدن را که در عرصه اجتماعی - اقتصادی توسعه می یابد، تصدیق کنند. جهان هم اکنون به مقابله با «نظم نوین» برخاسته است. حتی در پایتخت های عمده جهان سرمایه داری این بازتاب مشهود است، رخدادهای سیاتل، واشنگتن، نیویورک و پراگ، و همبستگی سازماندهی شده در کشورهای گوناگون، بیانگر این عکس العمل است.»

دبیر کل حزب برادر، در رابطه به وظیفه نیروهای چپ در رابطه با جهانی شدن و «نظم نوین» با تأکید بر این که چپ نیرویی است که منافع «اقتشاروسیعی از مردم زحمتکش را که در زیر فشار سرمایه بزرگ خرد می شوند، نمایندگی می کند»، گفت: «چپ وظیفه مطرح کردن و افشای خصلت ارتجاعی و محتوی غیر خلقی جهانی شدن را، آنگونه که امروز تحت هدایت و در جهت منافع انحصارهای مالی در حال اجرا ست، به عهده دارد... چپ وظیفه افشای ماهیت امپریالیستی به اصطلاح نظم نوین و مبارزه در دفاع از قانون بین المللی، اصول سازمان ملل، اصول آزادی، استقلال و یکپارچگی ارضی کشورها را بدوش می کشد.» چپ مدرن باید آمادگی روبه رو شدن با چالش های بزرگ را داشته باشد. تاریخ نیروهای چپ را فرا می خواند که یک بار دیگر نقش بسیج کننده نیروی پیشرفت، تغییر و توسعه اجتماعی را ایفا کند. چپ برای اجرای این وظیفه باید نیروی های خود را در سطح ملی، منطقه ای و جهانی بسیج کند، و با هماهنگی عمل با نیروهای چپ جان و توان تازه ای به اصل همبستگی بین المللی بدهد. در زمانی که نیروهایی که بیان کننده منافع سرمایه هستند، عمل خود را هماهنگ می کنند، این قابل قبول نیست که نیروهای کارگری و پیشرفت اجتماعی پارچه پارچه باشند. کنگره پس از سه روز کار با انتخاب کمیته مرکزی جدید حزب و اهداء نشان های افتخار حزبی به کادر های نمونه و مسئولان کمیته های مختلف حزبی که در دوره بین دو کنگره دستاوردهای مهم و چشمگیر داشته اند، با موفقیت به کار خود پایان داد.

در یک کفرانس بین المللی که در حاشیه کنگره با شرکت احزاب چپ و مترقی میهمان و حزب میزبان برگزار گردید، مسئله جهانی شدن و نظم نوین و پاسخ طبقه کارگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سخنرانی نمایندگان احزاب مترقی که در بردارنده تحلیل جوانب مختلف تجربه های متنوع کشورهای گوناگون در رابطه با جهانی شدن و نظم نوین جهانی بود در کل روحیه مبارزه جوانب زحمتکش جهان در شروع قرن بیست و یکم را منعکس ساخت. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سخنرانی خود بر پایه مدارک تحلیلی حزبمان از جهانی شدن جوانب مختلف سیاست مبارزاتی حزبمان در این عرصه را توضیح داد.

هیئت نمایندگی حزبمان، در طول مدت کنگره، در جریان ملاقات های دو جانبه سودمند با هیئت های نمایندگی احزاب برادر از کشورهای سودان، ایالات متحده، کردستان، عراق، یمن، یوگسلاوی، آفریقای جنوبی، هندوستان و فدراسیون روسیه آنان را در جریان آخرین تحولات ایران قرار داد و لزوم ارتقاء همبستگی فعال بین المللی با ترقی خواهان و نیروهای دموکراتیک کشور که در شرایط بغرنج و دشواری مبارزه می کنند، تأکید ورزید.

به دعوت رهبری آکل، نماینده کمیته مرکزی حزبمان در جلسه عمومی اعضا و هواداران آکل منطقه تورودوس - در شمال نیکوزیا - شرکت کرد، و در سخنرانی خود، گوشه هایی از تحولات کنونی کشور، موضع زحمتکشان و راه بیرون رفت از بحران طبق تحلیل حزبمان را توضیح داده و به سئوال های حضار که جمع قابل توجهی از آنان را زنان و جوانان هوادار آکل تشکیل می دادند پاسخ گفت. در پایان گردهمایی مسئول کمیته حزبی و نماینده کمیته مرکزی آکل نمونه ای از صنایع دستی منطقه را به رسم یاد بود به نماینده کمیته مرکزی حزبمان اهدا کرد.



## معضل مسکن و ریشه های آن

افزایش چشم گیر نرخ اجاره بها و قیمت مسکن در سراسر کشور، به ویژه در تهران، بار دیگر، موضوع مسکن را به عنوان یکی از معضلات حاد مردم، به صفحات روزنامه ها و نشریات کشاند.

به گزارش رسانه های همگانی، طی سه ماه نخست سال جاری، قیمت مسکن افزایش سرسام آوری یافته و سبب کشور نظیر، تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و رشت، به صورت غیر قابل کنترل درآمد. در ارتباط با این بحران گسترده، فشار عمده آن بردوش حقوق بگیران است، از سوی دولت و دیگر ارگان های جمهوری اسلامی، برنامه و راه حل ارائه نشده است. مقامات مسئول، به ویژه وزیر و مسئولان وزارت مسکن و شهر سازی، صرفا به سخنان بوج و وعده های بی پشتوانه، برای آرام نگاه داشتن جو اجتماعی و جلوگیری از اعتراضات زحمتکشان مبادرت ورزیده اند. وزیر مسکن دولت خاتمی، در جریان مجمع عمومی سازمان نظام مهندسی استان تهران که، گزارش آن در تاریخ اول خرداد ماه ۷۹ در روزنامه ها درج گردیده، متذکر شد: «در قالب سومین برنامه توسعه کشور، احداث ۵۰۰ هزار واحد مسکونی پیش بینی شده است. مجلس دوره ششم باید در راه برنامه ریزی در راستای تشویق انبوه سازی حرکت کند تا با این روش نیاز متقاضیان مسکن برطرف شود. در حال حاضر تقاضای اشیاع نشده برای ۲/۲ میلیون واحد مسکونی در سطح کشور وجود دارد، اتخاذ تصمیمات ناسنجیده از سوی دستگاه های مختلف موجب افزایش قیمت در این بخش شده است.»

و همچنین معاون وزیر مسکن، در جریان نشست طرح مسکن شهر تبریز، راه حل بحران مسکن در سطح این شهر را اجرای طرح تمرکز شهری در محوطه مسجد کبود تبریز عنوان ساخت، وی متذکر شد: «با صرف اعتباری بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال یکی از بزرگ ترین پروژه های متمرکز شهری ایران در محوطه مسجد کبود تبریز اجرا می شود. تاکنون ۵۰ میلیارد ریال برای اجرای اولیه این عملیات هزینه شده است. پروژه توسط وزارت مسکن، شهرداری تبریز و شهرداری تهران مشترکا اجرا می شود، کل مساحت این طرح ۵ هکتار می باشد که، دارای ۱۰۰ هزار متر مربع زیر بنا خواهد بود.»

تمام این تبلیغات البته، هیچ کدام صورت واقعیت بخود نگرفته و بحران ژرف تر از آن است که رژیم می نمایاند. روزنامه کیهان، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه امسال، نتایج آمارگیری از اجاره مسکن در شهر تهران، مربوط به فصل بهار سال گذشته را به نقل از مرکز آمار ایران، انتشار داد. بر پایه گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران، میانگین قیمت یک متر مربع زمین ساختمان مسکونی کلنگی، یک میلیون و ۴۰۳ هزار ریال، متوسط قیمت یک متر مربع واحد مسکونی یک میلیون و ۶۷۰ هزار ریال، میانگین اجاره بهای ماهانه یک متر مربع زیر بنای مسکونی ۵۴۷ ریال و متوسط ودیعه پرداختی بابت اجاره یک متر مربع زیر بنای مسکونی ۱۵۲ هزار و ۹۹۵ ریال بوده است. یکی از ویژگی های بحران مسکن در حال حاضر، فعالیت بسیار مخرب برج سازان، مقاطعه کاران و خلاصه دلان رنگارنگ و نیز نهادهای پوسیده و ارتجاعی مانند کمیته امداد خمینی، بنیاد پانزده خرداد، آستان قدس رضوی و

امثال اینهاست. شهرداری های سراسر کشور خصوصا شهرداری های تهران در زد و بند با دلان در افزایش نرخ مسکن و بالا رفتن اجاره بها سهم عمده ای دارند. بر اساس یک برآورد کارشناسی، ساخت هر متر مربع بنا، ۵۰ هزار تومان هزینه دارد. با توجه به تراکمی که شهرداری برای ساخت آپارتمان مقرر کرده است، ساختمان سازی برای واسطه ها و دلان سود بالایی دارد.

روزنامه کیهان، در گزارشی پیرامون بحران مسکن، به تاریخ ۷ خرداد ماه سال جاری، به وجود فعالیت مخرب دلان، که تحت عنوان بخش خصوصی فعالیت می کنند، اعتراف کرده است و خاطر نشان می سازد: «افزایش نرخ مسکن در چند ماه گذشته باعث شده تا نرخ اجاره بها در شهرهای بزرگ خصوصا تهران افزایش پیدا کند. کاهش تراکم از ۱۸۰ متر به ۱۲۰ متر، وجود نقدینگی در دست عده بی خاص و بالا بودن قیمت زمین، از جمله دلایل افزایش اجاره بها است.» به بیان روشن تر، بخش خصوصی که با تولید و هرگونه فعالیت مولد بیگانه است، تحت حمایت ارگان های حکومتی و با در دست داشتن نقدینگی، از عوامل اصلی گرانی و به طور کلی بحران مسکن در کشور است. همین بخش خصوصی فربه و ضد مولد، که از سوی مدافعان ذوب در ولایت در داخل حاکمیت حمایت می شود، مانع هرگونه برنامه ریزی علمی و اصولی برای حل معضل مسکن است. سازمان یافتن امور در این بخش همچون سایر عرصه های اقتصادی، در تضاد با منافع این قشر انگلی قرار دارد. زیرا در هرج و مرج و بی قانونی، فعالیت های غیر تولیدی سود آور است. بنگاه های معاملات ملکی، که تقریبا اکثریت آنها فاقد کارایی و حتی پروانه فعالیت رسمی اند، در ارتباط با همین دلان از هرج و مرج سود می برند. بنا به اظهارات رئیس اتحادیه بنگاه های املاک، که در روزنامه کیهان دوشنبه ۹ خرداد ماه ۷۹ انتشار یافته، در حال حاضر، در سطح شهر تهران، تعداد ۳۲۰۰ بنگاه و آژانس معاملات مسکن با پروانه اتاق اصناف، ۳۲۰۰ بنگاه با پروانه مشاورین املاک، ۴۲۰۰ بنگاه با کارت یک ساله قدیم و ۱۷۰۰ بنگاه نیز با کارت شهرداری مشغول فعالیت اند که اعتبار تمامی آنها باطل است: «در اصل ۳۵۰۰ بنگاه و یا آژانس معاملات املاک و مسکن وجود دارد که از شورای عالی نظارت مجوز گرفته اند و تابع اتحادیه مشاوران املاک تهران هستند.» در عین حال، این بنگاه ها با برنامه ریزی به سود حقوق بگیران برای کاهش قیمت مسکن و اجاره بها به شدت مخالفت می کنند. رئیس اتحادیه بنگاه های معاملات املاک در این خصوص در مصاحبه با روزنامه کیهان به تاریخ ۹ خرداد ماه تاکید می کند: «اگر بخواهیم افرادی را مجاب به این امر کنیم که خانه هایشان را به قیمت هایی که تعیین می شود بفروشند، از نظر شرعی دچار مشکل می شویم، چون مالکیت در اسلام محترم است. می توان مردم را به این سوق داد که برای تعیین قیمت خانه یا آپارتمان با اعضای این صنف مشورت کنند.»

علاوه بر اینها، یکی دیگر از عوامل ریشه ای در بحران کنونی مسکن، شیوه تخصیص اعتبارات مالی از سوی سیستم بانکی کشور است. دولت، و به تبع آن سیستم بانکی کشور، همه گونه حمایت و پشتیبانی را از بخش خصوصی و دلان به عمل می آورند. علاوه بر آنکه، بخش قابل توجهی از بودجه کل کشور را بنیادهای انگلی می بلعند، دولت و بانک ها نیز اعتبارات هنگفت در اختیار بخش خصوصی و دلان و زمین خواران قرار می دهند. اما تعاونی های کارگری و کارمندی با هزار و یک مشکل دست به گریبانند و اعتباری در بانک ها برای آنها گشوده نمی شود. برای آنکه بینیم جمهوری اسلامی چگونه از منافع دلان حمایت می کند و اعتبارات سیستم بانکی در اختیار کدام طبقات و لایه های اجتماعی قرار می گیرد، تصمیم هیئت وزیران مبنی بر اعطای تسهیلات بانکی به بخش مسکن و شرایط ناگوار تعاونی های مسکن کارگری و کارمندی را با یکدیگر مقایسه کرده و در کنار هم می نهمیم. روزنامه کیهان در تاریخ ۹ خرداد ماه سال جاری در گزارشی نوشت: «هیئت وزیران در جلسه روز یکشنبه ۸ خرداد ماه مقرر ساخت، ۳۰ درصد از کل تسهیلات بانکی دولت به

بخش مسکن اختصاص می یابد.»

از سوی دیگر، روزنامه کیهان در تاریخ ۲۸ خرداد ماه سال جاری، در گزارشی به نقل از رئیس هیات مدیره یکی از تعاونی های مسکن کارگری، تاکید کرد: «تنها کمک و مساعدت دولت از طریق سیستم بانکی، ارایه بموقع تسهیلات و وام بانکی به تعاونی هاست که متأسفانه به دلیلی که بر تعاونی ها معلوم نیست، این وام ها در سال جدید از سوی بانک گنایش اعتبار نشده و تعاونی ها تعطیل و ده ها نفر از کارگران فصلی بیکار شده اند. پرداخت نکردن وام در موقع آن موجب زمان بندی می شود و این زمان بندی خسارات مالی فراوان بوجود می آورد و قیمت تمام شده واحدهای مسکونی را افزایش می دهد.» در جای دیگری از گزارش فوق تصریح شده است: «یکی از اصلی ترین علل شکست های تعاونی های مسکن نبود نقدینگی (پول) است. سیستم بانکی و بانک مسکن با پرداخت وام ۲/۵ میلیون تومانی به تعاونی ها، عملا قیمت ۳۵ تا ۴۰ درصد قیمت تمام شده را می پردازند و با توجه به افزایش بهای مصالح ساختمانی، تا بین ۶۰ تا ۶۵ درصد بهای مسکن برای اعضای حقوق بگیر (کارگر و کارمند) بسیار سخت است. تعاونی های مسکن کارگری و کارمندی به دلیل نبود نقدینگی و عدم تأمین اعتبار از سوی بانک ها، بخصوص بانک مسکن عملا تعطیل شده اند.»

گفتنی است که، بر پایه آمار رسمی، بیش از ۲۵۰ تعاونی مسکن کارگری و کارمندی در سراسر کشور فعالیت دارند، که در سال کنونی به دلیل عدم اعتبار گنایشی و تسهیلات بانکی دچار رکود و ضرر و زیان بسیار جدی شده اند. روشن است که، تسهیلات بانکی و اعتبارات مالی که هیئت وزیران در جلسه ۸ خرداد ماه خود به بخش مسکن اختصاص داده است، به کجا رفته و در اختیار چه کسان و چه سازمان ها و نهادهایی قرار گرفته است! آنچه مسلم است این است که بحران مسکن، با برنامه ها و وعده های بی پشتوانه رژیم حل شدنی نیست. معضل مسکن برای میلیون ها ایرانی، ریشه در برنامه های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه دارد. این مشکل ناشی از سمت گیری اقتصادی-اجتماعی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول است. تنها با تدوین و اجرای یک برنامه علمی و واقع بینانه، که در آن منافع زحمتکشان کشور در مرکز توجه قرار گرفته باشد، می توان بر بحران مسکن غلبه کرد و ریشه آن را خشکانید.

### ادامه رویدادهای ایران

از آنجایی که دانشگاه ما محل نخبه ترین و متفکرترین اقشار مردم است، دغدغه ها، دیدگاه تفکرات و انتقادات آنها از سطح قابل قبولی برخوردار است (همانجا). شیخ اضافه کرد: «اینکه عده ای معتقدند دیدگاه ها، تفکرات و انتقادات دانشجویان، مخالف انقلاب و نظام است از این جا نشأت می گیرد که دیدگاه انتقادات و دغدغه های دانشگاهیان به نوعی منافع جریان را محدود می کند و مطامع آنها را به خطر می اندازد.»



## بیانیه احزاب کمونیست - کارگری منطقه خاورمیانه

مطلوب در زندگی و آموزش و جهت تضمین آینده آنان؛

■ حمایت از مبارزه زنان و دفاع از دستاوردهای آنان و حفاظت از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان. احزاب شرکت کننده ضرورت از بین بردن همه اشکال استثمار، سرکوب و خشونت بر ضد زنان و فراهم ساختن امکان بدست گرفتن منصب های کلیدی و تصمیم گیرنده را مورد تاکید قرار دادند.

■ احزاب شرکت کننده، همچنین، همبستگی خود با همه نیروهای دموکراتیک و خلقی در کشورهای منطقه را در مبارزه برای آزادی های سیاسی، سندیکایی و حقوق دموکراتیک، اعلام کردند.

در رابطه با مشکلات ویژه منطقه، احزاب شرکت کننده در نکات زیر توافق کردند:

● حمایت از مبارزه برای حقوق دموکراتیک پایه ای شامل حق تشکل آزادانه، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، حقوق اقلیت های ملی و مذهبی، استقلال قوه قضاییه. احزاب شرکت کننده پیگرد و زندانی کردن مبارزان آزادی را محکوم کرده و همبستگی خود را با مبارزه زندانیان سیاسی در ترکیه، اسرائیل، ایران، عراق، بحرین، سودان، و دیگر کشورهای منطقه اعلام می کنند.

● ضمن تجلیل از مبارزه مردم فلسطین برای دستیابی به راه حلی عادلانه و صلح آمیز که تضمین کننده دستیابی آنان به حق ایجاد کشور مستقل به پایتختی بیت المقدس شرقی، در انطباق با قطعنامه های سازمان ملل، و بازگشت پناهندگان فلسطینی به خانه های خود، و محکومیت خشونت و تجاوزگری نیروهای اشغالگر اسرائیلی در کرانه غربی و غزه؛

● اعلام همبستگی با نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیست در مبارزه برای خاتمه اشغال والحق مناطقی در کشورهای همسایه و تخلیه بی قید و شرط نیروهای اشغالگر اسرائیلی از بلندی های جولان و همه مناطق جنوب لبنان؛

● حمایت از مبارزه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیست در ترکیه برای اعاده آزادی های دموکراتیک و سندیکایی؛

● اعلام همبستگی با مبارزه مردم قبرس برای تخلیه ارتش اشغالگر ترکیه و تمامی نیروها و پایگاه های خارجی، برای وحدت صلح آمیز جزیره قبرس از طریق یک راه حل عادلانه و قابل دوام مسئله قبرس، بر پایه قطعنامه های سازمان ملل و توافق های سطح بالای سال های ۱۹۷۷، ۱۹۷۹، برای یک قبرس مستقل، غیر نظامی و از نظر ارضی یک پارچه، با یک حاکمیت، با حق شهروندی و موقعیت بین المللی واحد که در آن حقوق همه شهروندان قبرس، بدون هیچ استثنایی، تضمین شود، اعلام می کنند.

● حمایت از به رسمیت شناختن تمامی حقوق لایتجزای مردم کرد، برای خود مختاری در درون چهارچوب مرزهای موجود؛

× محکوم کردن سیاست تحریم بر ضد لیبی و عراق که تنها قربانیان آن مردم این کشورها هستند، همچنین محکومیت تحریم کوبا توسط ایالات متحده و دیگر امپریالیستها.

نمایندگان احزاب کمونیست، کارگری شرکت کننده با الهام از دورنمای مبارزه خود برای سوسیالیسم، عملی شدن قطعنامه های اجلاس سابق خود در رابطه با ایجاد مرکز تبادل سریع اطلاعات (SOLIDNET) و همچنین انتشار نشریه «بولتن اطلاعاتی» را مثبت ارزیابی کرده و موافقت کردند که هماهنگی فعالیت ها و اقدامات مشترک خود را از طریق ادامه اجلاس های مشترک برای تبادل اطلاعات و ادامه گفت و گو درباره مسایل مشترک در عرصه تئوری و ایدئولوژی و اقدام در جهت تحقیق در مورد امکان ایجاد یک «مرکز مطالعاتی» مشکلات منطقه و تدارک اجلاس دیگری درباره «سوسیالیسم در شرایط مدرن» را دنبال نمایند.

اجلاس نوبتی احزاب کمونیست- کارگری کشورهای جنوب و شرق مدیترانه، منطقه خلیج فارس و دریای سرخ، در نیمه دوم آذر ماه، با شرکت احزاب کمونیست و کارگری از یونان، لبنان، سوریه، اردن، کردستان عراق، قبرس، سودان، اسرائیل، فلسطین و مصر برگزار گردید. از ایران، حزب توده ایران، در این اجلاس شرکت فعال داشت. پس از ارائه تحلیل های نمایندگان احزاب شرکت کننده درباره اوضاع جهان و منطقه، اجلاس پس از بحث و اظهار نظر، به اتفاق آراء بیانیه زیر را ارائه کرد و پس از تبادل نظر درباره اجلاس آتی با موفقیت به کار خود پایان داد. احزاب شرکت کننده در اجلاس، در رابطه با لزوم هماهنگی بیشتر فعالیت های مشترک هم نظر بودند. در این اجلاس، درباره تحولات جدید سالیان اخیر و نتیجه گیری هایی که از موضوعات ذیل مشتق می شود، بحث و گفتگو انجام گرفت.

۱. شکست روند صلح در فلسطین و کوشش برای سرکوب بی رحمانه انتفاضه جدید از سوی نیروهای نظامی اسرائیلی؛

۲. تجاوزگری امپریالیسم در سطح جهانی و منطقه ای در دوره مورد نظر خود را با حملات ناتو بر ضد جمهوری فدرال یوگسلاوی به نمایش گذاشته، سیمای بی رحم خود را در کوشش برای تحمیل نظم نوین امپریالیستی در منطقه نشان داد. دکترین جدید ناتو، که رسماً در آوریل ۱۹۹۹ در واشنگتن اتخاذ شد، مقررات قانون بین المللی و سازمان ملل را به رسمیت نمی شناسد و در حکم تهدیدی مستقیم بر ضد همه خلق ها است؛

۳. توسعه جنبش های ضد امپریالیستی و ضد ناتو که در بردارنده طیف وسیعی از نیروهایی است که مخالف بربریت و جنگهای ناشی از امپریالیسم بوده و بر ضد آنها مبارزه می کنند.

۴. قیام و جنبش های مردمی و توسعه جنبش های وسیع خلقی بر ضد سیاست اجلاس های گروه ۸، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، و همچنین اتحادیه اروپا، تشکیل دهنده اجزای جدیدی است از مقاومت بر ضد سیاست های سرمایه داری، که به تمرکز ثروت در دست گروهی معدود، گسترش فقر، افزایش بیکاری منجر شده است؛

۵. اهمیت مشخصه گسترده و از نظر شکلی متنوع نیروها و جنبش های ضد امپریالیستی، هم در کشور های پیشرفته سرمایه داری و هم در کشورهای در حال توسعه، که در برگیرنده نیروها و جنبش های آزادی بخش ملی، میهنی، مترقی و دموکراتیکی است که به مسایل جهانی از قبیل: صلح و محیط زیست و غیره علاقمندند و نیز در بر گیرنده نیروهای آگاه طبقاتی کمونیستی و کارگری است؛

۶. اهمیت موقعیت نیروهای کمونیستی کارگری در بین عامل های تعیین کننده در سازمان دهی مبارزه عمومی جنبش ها و سازمان های مقاوم در مقابل امپریالیسم و فعالیت های گوناگون در توسعه چنین عرصه ای؛

شرکت کنندگان در اجلاس، در رابطه با مبارزه و همبستگی

در مواضع ذیل موافقت داشتند:

● حمایت از اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل و احترام به یکپارچگی و استقلال کشورها؛

● دفاع از حق آزادانه هر خلقی برای انتخاب نوع سیستم حاکم بر کشور و تعیین آینده خود؛

● اعلام مخالفت خود را بر ضد ناتو و دکترین جدید آن، که هیچ گونه مرز و یا حدودی برای عمل خود قایل نیست، و همچنین بر ضد هر گونه کوششی برای گسترش این سازمان در سمت شرق یا جنوب اعلام می کنند.

● مخالفت خود با ایجاد نیروهای مداخله سریع و تاسیس ارتش جداگانه اتحادیه اروپا؛

احزاب حاضر در اجلاس در موارد ذیل توافق کردند:

■ ضرورت اتخاذ ابتکارهای فعال بر ضد سیاست های کشورهای امپریالیستی و شرکتهای فراملی، و تشدید مبارزه بر ضد سیاست ها و قطعنامه های گروه ۸. سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول که بیان کننده سلطه امپریالیسم و سرمایه انحصاری و در تضاد با حقوق مردم زحمتکش و کشورها و خلق هایی است که بر ضد طرح های آنان مقاومت می کنند؛

■ نیاز به توسعه جنبشی گسترده در دفاع از دستاوردهای مردم زحمتکش و به کار بردن ابتکار هایی برای هماهنگ کردن و همکاری با سازمان های طبقاتی مردم زحمتکش که بر ضد تهاجم سرمایه مبارزه می کنند؛

■ استفاده از ابتکارهای مشترک در جنبش جوانان در رابطه با ایجاد شرایط

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:601  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

30 January 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک Berliner Sparkasse





ضمیمه ۶۰۱، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۸ بهمن ماه ۱۳۷۹

### نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت

### دستگیری فعالان دانشجویی به اتهام توهین به ولایت فقیه

این قاعده مستثنی نیست و همین روش در چند ماه و هفته های گذشته تکرار گردیده است. چندی پیش وقتی دانشجویانی، عمدتاً از شکل سیاسی دفتر تحکیم وحدت، به نزد ولی فقیه رژیم رفتند سعی شد با استفاده از این موضوع ضربه ای به قسمت دانشجویی جنبش مردمی زده شود. ماحصل این ملاقات نامه اعتراضی سرگشاده به شخص ولی فقیه رژیم به عنوان مسئول تمامی این پیدادگری ها بود که خشم مرتجعان را برانگیخت. هنوز مرکب نامه اعتراضی دانشجویان به علی خامنه ای خشک نشده، که مرتجعان که سعی داشتند با دستگیری دانشجویان معترض هر صدای مخالفتی را بر ضد قدرت مطلقه ولی فقیه در نطفه خفه کنند.

به گزارش «ایسنا»، چهارشنبه ۱۲ بهمن، دبیرانجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، که به جرم توهین به «ولایت» به دادگاه احضار شده بود، گفت: «به ولایت فقیه توهین نکرده ام.» کیان ظهرايي در گفت و گو با ایسنا در مورد احضار خود یادآور شد: «اینکه در کجا چنین توهینی کردم و تلقی آنها از توهین چیست، نمی دانم، ولی تأکید می کنم که در طول زندگی خویش هیچ گونه توهینی به ولایت فقیه نکرده ام، اما انتقاداتی نسبت به پاره ای مسائل دارم و ممکن است که هر کسی انتقاد داشته باشد و آن را توهین تلقی کنند.» وی افزود: «چنین مسایلی برای دوستان ما در دانشگاه های تبریز، اراک و خرم آباد پیش آمده بیشتر سعی در به انفعال کشیدن شکل های دانشجویی و ایجاد فضای رعب و وحشت دارند که دانشجویها وارد چنین برنامه هایی نشوند.» وی همچنین اضافه کرد: «در دیداری که روز ۱۳ دی ماه با مقام معظم رهبری داشتیم، اعتراض خود را نسبت به برخی ارگ ها که خود را منتسب به مقام رهبری می دانستند مطرح کردیم و می خواستیم که خیلی شفاف و رو در رو این اعتراضات را خدمت ایشان عرض کنیم که توسط نماینده دفتر تحکیم وحدت صحبت هایی شد و قرار بود که جلسه پرسش و پاسخی برگزار شود که بنا به دلایلی تاکنون برگزار نشده است و حتی سوال هایی که توسط آقای طباطبایی مطرح شده بدون پاسخ ماند.»  
مسئلاً دستگیری های اخیر محدود به یکی دو نفر از دانشجویان نخواهد گردید و باید منتظر بود که این فشارها و دستگیری ها گسترش یابد. هنوز خبرهای تأیید شده در این مورد واصل نگردیده اما برنامه حاکمان مرتجع وارد آوردن ضربات جدی در بر پیکر جنبش دانشجویی است.

دولت های سرکوب گر در همه جا، تا وقتی بر اریکه قدرت تکیه زده اند زبانی جز سخن زور، زندان، شکنجه، ترور و اعدام بر ضد آزادی خواهان روا نمی دارند. اما وقتی فشار افکار عمومی پایه های حکومت آنها را به لرزه در می آورد، مزورانه و به عناوین مختلف تجربه های آزمایش شده را به مرحله اجرا در می آورند. یکی از این روش ها سوء استفاده از اعتبار و وجهه فعالان و گروه های سیاسی مورد حمایت مردم است تا از این طریق هم به مخدوش کردن چهره مقابل بپردازند و هم چند صباحی به حیات خود ادامه دهند. رژیم ولایت فقیه از

## ایران بیست و دو سال پس از انقلاب بهمن ۵۷ امکان تاریخی مردم میهن ما که قربانی ارتجاع قرون وسطایی شد

مرتجعانی، که او را تکفیر می کردند) و زندانی کردن مبارزان مذهبی معتقد و مبارز همچون طالقانی، منتظری و مطهری، در مجموع اوضاعی را پدید آورد که رهبری انقلاب از همان آغاز دربرگیرنده طیف ناهمگونی از نیروها و بدون حضور نمایندگان جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما شکل گیرد. همراهی خمینی با شعارهای مردم در آغاز انقلاب و قول های او پیرامون حاکمیت «کوخ نشینان» بر «کاخ نشینان»، او را در وضعیت ویژه ای به عنوان رهبر بلامنازع انقلاب قرار داد. قبول رهبری خمینی از سوی مردم و نیروهای شرکت کننده در انقلاب تنها با درک واقعیت های پیش گفته قابل ارزیابی است. نکته جالب دیگر این است که جو انقلابی حاکم بر میهن ما در دوران پیش و بلافاصله پس از انقلاب، جوی بشدت متأثر از اندیشه های چپ و حزب ما بود و حتی سران کنونی رژیم نیز در مقاطع مختلف به آن اعتراف کرده اند. این اعتراف سید علی خامنه ای در این زمینه جالب است: «در یک برهه از زمان و در همان اوایل انقلاب همه چیز در تیول حزب توده بود... چنین حالتی را من و هر کسی در اوایل انقلاب حس می کرد که توده ای ها و جریان چپ بر همه چیز مسلط بودند و اصلاً حرکت انقلاب را می خواستند منحرف کنند» (به نقل از نامه مردم، شماره ۴۴۷، ۲۵ بهمن ۱۳۷۳).

با فرا رسیدن ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بیست و دو سال از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک مردم میهن ما می گذرد. انقلاب بهمن، جنبش عظیم و سراسری خلق های ایران بر ضد استبداد سلطنتی، بر ضد حاکمیت سرمایه داری وابسته بر میهن ما بود و توانست یکی از مهم ترین پایگاه های امپریالیسم در منطقه را از چنگ آن خارج کند و الهام بخش جنبش های رهایی بخش ملی در منطقه گردد. انقلاب ایران، برخلاف مدعیات رهبران کنونی رژیم، و به اعتراف انبوه اسناد تاریخی نه یک انقلاب «دینی» (آنطور که جنتی در روزهای اخیر مدعی آن شده است) بود و نه روحانیت مرتجع و وابسته به کلان سرمایه داری تجاری در آن نقشی مثبت ایفاء کرده است. انقلاب ایران انقلاب توده های میلیونی خلق بود که از محرومیت، فقر و اختناق ستم شاهی جان به لبشان رسیده و با شعارهای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهان ایجاد تحولات بنیادین به نفع توده های محروم و ستم کش جامعه بود.

اعتراف خامنه ای روشن می کند که نفوذ معنوی اندیشه های مترقی و چپ و خصوصاً نظرات حزب

سالها اختناق خشن و پلیسی رژیم شاه بر ضد نیروهای بالنده، روشنفکر و خصوصاً جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما و در مقابل آن ایجاد سازمان های «مذهبی» مانند حجتیه بدست ساواک (که امروز رهبران آن نهاد های تصمیم گیرنده بی همچون شورای نگهبان و دیگر مراکز قدرت را در انحصار خود دارند) و یاری رساندن به مرتجعان و مجیز گویان دربار شاه همچون فلسفی ها و زیر فشار قرار دادن روشنفکران مذهبی همچون دکتر شریعتی (توسط

### کسی حق دخالت در امور قوه قضائیه را ندارد

با اینکه عملکرد قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه، از مسائلی است که بحث حول آن از مدتها پیش در محافل سیاسی شروع گردیده اما با گسترش دستگیری ها و پرونده سازی های رو به افزایش بخصوص طی مدت اخیر، نوع مقابله با این اقدامات سرکوب گرانه، در جامعه از اولویت های مهم تلقی می شود. در پی گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، عباسعلی علیزاده، رئیس دادگستری ولی فقیه در تهران، جوایبه بلند بالایی را خطاب به کروبی نوشته که ذکر قسمتی هایی از آن خالی از

ادامه در صفحه بعد

ادامه در صفحه بعد

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

## برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## ادامه ایران بیست و دو سال...

توده ایران، از جمله مهمترین محرکه های فکری انقلاب بود که برای تحقق و حاکم شدن اندیشه های ارتجاع سدی جدی محسوب می شد.

در روزهای اخیر شماری از رهبران رژیم «ولایت فقیه»، در سخنرانی درباره بزرگداشت انقلاب بهمن از جمله مدعی شده اند که گویا «قانون اساسی یادگار امام» است. این هم دروغی باب روز! به اتکاء آخرین استاد تاریخی از جمله خاطرات آیت الله منتظری که رئیس مجلس خبرگان، در جریان تنظیم و رفراندوم قانون اساسی بود، خمینی نه تنها نقش مستقیمی در تنظیم قانون اساسی نداشت، بلکه با اتکاء به همین مستندات بخش های وسیعی از مندرجات قانون اساسی کوچکترین هم خوانی نیز با نظرات روحانیون مرتجع و وابسته به کلان سرمایه داری همچون جنتی ها، مصباح یزدی ها، مهدوی کنی ها و دیگران نداشته و ندارد. اتفاقاً مهمترین ضعف قانون اساسی، همان جایی است که نظرات مرتجع و واپس گرایانه بی همچون «ولایت فقیه» توانست بر خلاف خواست مردم و نیروهای مترقی به قانون اساسی تحمیل شود و در حقیقت محتوی آن را از یک قانون زاینده انقلابی مردمی به قانونی برای تحکیم حاکمیت ارتجاع تبدیل کند. حوادث امروز میهن ما و استفاده از همین بند قانون اساسی برای پوشش «قانونی» دادن به سرکوب مطبوعات، زندانی کردن و شکنجه دگراندیشان، حکم مرتد صادر کردن و ترور مخالفان و همچنین بی اختیار دانستن نهادهای منتخب مردم در برابر اراده «ولی فقیه»، موبد چنین نظری است. انقلاب ایران یک امکان تاریخی بود که می توانست ایران را به کشوری آزاد، آباد و مستقل تبدیل کند. انقلاب ایران آنچنان نیروی عظیم اجتماعی را بسیج کرده بود که توانست «جزیره ثبات» امپریالیسم را با حضور بیش از سی هزار مستشار نظامی آمریکا از جنگال دشمنان ایران خارج کند و برای نخستین بار این امکان را پدید آورد که مردم ما بر سرنوشت خود حاکم شوند. ۲۲ سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، خواست های اساسی انقلاب بهمن برآورده نشده است، و به گفته شماری از روشنفکران مذهبی، همان «نظام سلطنتی»، اینبار در پوشش مذهبی باز تولید شده است و ارتجاع و استبداد بار دیگر بر میهن ما حاکم است. امروز تنها مرتجعان حاکم، تاریک اندیشانی همچون جنتی ها، مصباح یزدی ها، خامنه ای ها و رفسنجانی ها مدعی اند که انقلاب ایران توانست به پیروزی نهایی برسد و آرمان های آن در زمینه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تحقق یافته اند. در مقابل این مدعیات دروغین پدیده عظیم جنبش مردمی، در چهار سال اخیر با طرح شعارهای برقراری حکومت قانون، «مردم سالاری»، جامعه مدنی و آزادی نشان می دهد که شعارهای اساسی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تحقق نیافت و بدین ترتیب یک امکان تاریخی عظیم از دست میهن ما رفت. امروز سیمای ایران، بیست دو سال پس از پیروزی انقلاب بهمن، سیمای یک کشور عقب مانده، محروم، با میلیونها بیکار، سیمای کشوری بی آینده برای میلیون ها جوان و زندانی بزرگ برای زنان، کارگران، زحمتکشان و جوانان است.

حزب توده ایران، در کنار توده های میلیونی خلق در سنگرهای انقلاب بهمن ۵۷، رزمید و در این راه شماری از رزمندگان توده ای، جان خود را فدا کردند. حزب توده ایران انقلاب ایران را یک انقلاب خلقی، مردمی و دموکراتیک ارزیابی کرد که می توانست ایران را به سمت تحولات بزرگ و سرنوشت ساز سوق دهد امری که با خیانت سرکردگان مرتجع و تاریک اندیش غارتگر هستی میهن با بن بست های جدی دردناک مواجه شد. حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که دیری نخواهد پایید که دیگر بار جنبش خلق های میهن ما اوجی دوباره خواهد گرفت و خواهد توانست رژیم «ولایت فقیه»، یعنی سد اساسی تحولات بنیادین و پایدار در میهن ما را از سر راه برداشته و راه را بسوی آینده در خور و سزاوار مردم زحمتکش میهن ما بگشاید. تحولات چهار سال اخیر میهن ما از جمله رفراندوم دوم خرداد ۱۳۷۶ و «نه» تاریخی بیست میلیون ایرانی به نظریه «ذوب در ولایت» و ادامه مبارزه نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات بررغم همه سرکوب ها، ترفندها و فشارها پشتوانه این خوش بینی ماست.

## ادامه رویدادهای ایران

لطف نیست.

علیزاده در قسمتی از نامه که ایرنا ۱۳ بهمن آن را مخابره کرده است، از قول خمینی می نویسد: «احدی حق دخالت در امر قضا را ندارد و دخالت کردن، خلاف شرع است. مطلبی که من باید به عموم مردم و بخصوص آنهايي که در کارهای کشور و مملکت دست دارند، تذکر دهم این است، که در صورتی که حکمی از قضات صادر شد، هیچکس حتی مجتهد، دیگر حق ندارد، آن را نقض و یا در آن دخالت نماید و احدی حق دخالت در امر قضا را ندارد و دخالت کردن خلاف شرع و جلوگیری از حکم قضات هم بر خلاف شرع است. من باز عرض می کنم، که استقلال قضایی معنایش این است، که اگر قاضی حکمی کرد، احیاً تا رسیدگی به آن حکم مرجع دارد و غیر از آن هیچ کس حق دخالت ندارد. کسانی که از حکم قضات شریف تخلف می کنند و مقابل آن مقاومت می کنند، بر خلاف اسلام و امر خداوند عمل کرده اند و باید مورد تعقیب واقع شوند و کسانی که از قضای شکایت دارند، باید به مقامات صالحه رجوع نمایند. مجلات و روزنامه ها و رسانه های گروهی توجه داشته باشند، که تضعیف قوه قضاییه خلاف موازین اسلامی است و باید هر امری موافق موازین اسلامی باشد شکایت از قاضی یا دادگاه باید تحت مقررات شرعی باشد و هر کس، حق ندارد، در مطبوعات یا رسانه های گروهی طرح دعوا نماید و علیه قوه قضاییه جو سازی کند و احترام به قضات و اطاعت از احکام صادره آنها امری است، که مورد اهتمام اسلام است.»

کسانی بودند و شاید هستند، از میان حتی جناح حکومتی طرفدار اصلاحات، که آمدن هاشمی شاهرودی را آغاز یک تحول در این قوه ارزیابی کردند. این تحول در حال انجام پذیرفتن است و آنرا باید در افزایش دستگیری ها و محاکمات فرمایشی جستجو کرد و دیگر هیچ، حتی این نظریه مطرح بود که هاشمی شاهرودی از جریانات اخیر در قوه قضاییه بی خبر و ناراضی است، اما جوابیه رئیس قوه قضاییه به نمایندگان مجلس نشان داد تمامی اینها بازی های کهنه شده سیاسی است که رنگ و بوی آن از بین رفته است و در بازار خریداری ندارد. شاهرودی در قسمتی از نامه با اشاره به اینکه سنگ زیر بنای اصلاحات، اصلاح خود و خودبهاست و همه باید نخست آینه دار خویش باشند، بر ضرورت ادامه این روش که قاعدتاً این بار دامن «خودی های سابق» را گرفته صحه می گذارد.

شاهرودی در قسمتی دیگر می گوید که مجلس، و نمایندگان بر اساس سوگندی که خورده اند، باید دغدغه های ارزشهای اسلامی را بر دغدغه های معدودی غرب زده مقدم دارند. مروری بر تمامی نامه شاهرودی به مجلس که آمیخته به تهدید و دستور به تمکین و سکوت است نشان دهنده این واقعیت است که عزم جدی برای سرکوب تنها شیوه شناخته شده و وجه غالب در این ارگان سرکوب است. سخنان هاشمی شاهرودی و علیزاده یک واقعیت را در خود دارد و آن این است که سیاست های اجرا شده توسط قوه قضاییه دقیقاً منطبق با نوشته ها و قواعدی است که از بدو تاسیس باعث به وجود آمدن این ارگان گردیده است.

وظیفه قوه قضاییه حفظ رژیم ولایت فقیه است. این در روح سخنان هاشمی شاهرودی و علیزاده به طور کاملاً آشکار بیان گردیده است. اشکال عمده در این مسئله است که هنوز نیروهایی در داخل ایران انتظار دارند که از داخل این ارگان روح قانون گرایی بدمد. قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه تنها ارگانی است که قوانین مصوبه در آن به طور کامل به اجرا در آمده است. حالاً یا باید این قوانین را قبول کرد و یا از ریشه با آن مخالفت کرد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 601  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6 February 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۳۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک